

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند رحمتگر مهربان

القَارِعَةُ ﴿١﴾

فولادوند: کوبنده

مکارم: آن حادثه کوبنده،

مَا الْقَارِعَةُ ﴿٢﴾

فولادوند: چیست کوبنده

مکارم: و چه حادثه کوبنده‌ای؟!

وَمَا أَذْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ ﴿٣﴾

فولادوند: و تو چه دانی که کوبنده چیست

مکارم: و تو چه می‌دانی که حادثه کوبنده چیست ؟

يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ ﴿٤﴾

فولادوند: روزی که مردم چون پروانه [های] پراکنده گردند

مکارم: روزی که مردم مانند پروانه‌های پراکنده به هر سو می‌دوند.

وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ ﴿٥﴾

فولادوند: و کوه‌ها مانند پشم زده‌شده رنگین شود

مکارم: و کوه‌ها مانند پشم رنگین حلاجی شده می‌گردد.

فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ ﴿٦﴾

فولادوند: اما هر که سنجیده‌هایش سنگین برآید

مکارم: (در آن روز) کسی که ترازوهای اعمالش سنگین است.

فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ ﴿٧﴾

فولادوند: پس وی در زندگی خوشی خواهد بود

مکارم: در يك زندگی خشنود خواهد بود.

وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ ﴿٨﴾

فولادوند: و اما هر که سنجیده‌هایش سبک بر آید

مکارم: و اما کسی که ترازوهایش سبک است.

فَامَهُ هَاوِيَةٌ ﴿٩﴾

فولادوند: پس جایش هاویه باشد

مکارم: پناهگاهش هاویه (دوزخ) است.

وَمَا أَذْرَاكَ مَا هِيَةٌ ﴿١٠﴾

فولادوند: و تو چه دانی که آن چیست

مکارم: و تو چه می‌دانی هاویه چیست ؟

نَارٌ حَامِيَةٌ ﴿١١﴾

فولادوند: آتشی است‌سوزنده

مکارم: آتشی است سوزان.

